

لیستریوز = بیماری سیلو:

عامل این بیماری باکتری است بنام **لیستریا منوسیتوژن**. در این بیماری منوسیت‌های خون افزایش می‌یابند.

لیستریا دارای خاصیت آلوده‌کنندگی زیاد و بیماری‌زایی کمی است و قبل از کاهش مقاومت بدن نمی‌تواند به آسانی ایجاد بیماری نماید. خوردن زیاد علوفه سیلو شده (بخصوص غذای سیلو شده فاسد و قلیائی)، مهمترین عامل مستعد کننده حیوان به بیماری است. از اینرو این بیماری را **بیماری سیلو** نیز می‌نامند.

طرز انتقال بیماری:

چون این بیماری دارای گستردگی زیادی در طبیعت است، بیشتر حیوانات در جریان زندگی در معرض آن قرار می‌گیرند و در خاک و آب و علوفه و مدفوع حیوانات فراوان یافت می‌شود. در حیوانات آلوده، مدفوع، ادرار، جنین سقط شده، ترشحات رحمی و شیر حاوی میکروب است.

عوامل استرس‌زا نظیر بیماری‌ها، آب و هوای نامساعد، آبستنی، نوع تغذیه و ... در ایجاد این بیماری موثر می‌باشند.

– **در فرم عصبی**، باکتری توسط اعصاب ویا در اثر آلودگی چشم به مغز می‌رسد.

– **در فرم احشایی**، بلع میکروب و نفوذ آن در جریان خون موجب عوارض بیماری می‌شود.

پاتوژن بیماری:

در واقع لیستریا مونوسیتوژن انگل داخل سلولی است لذا عواملی که ایمنی سلولی را از بین ببرند زمینه را برای ایجاد لیستریوز مهیا می‌سازند. این باکتریها درون ماکروفاژها تکثیر می‌یابند و تا هنگام برانگیخته شدن ایمنی سلولی، در بدن گسترش می‌یابد.

علائم بالینی:

بیماری لیستریوز به سه فرم بروز می‌کند:

الف) مننگوآنسفالیت لیستریائی:

علائم عبارت است از مخلوطی از نشانه‌های گیجی توأم با فشار دادن سر به اشیاء و فلج یکطرفی صورت. حیوانهای مبتلا گیج هستند و خود را از سایرین دور نگه می‌دارند و جویدن غذا کند می‌شود، به صورتی که ممکن است حیوان مدتها در گوشه‌ای بایستد و غذا را در دهان نگاه دارد و بزاق از دهانش سرازیر شود. در بیشتر مواد سر به یکطرف منحرف می‌شود و حیوان نمی‌تواند سر را به وضع عادی برگرداند. حتی اگر اشخاص آنرا به وضع عادی برگردانند، مجدداً بصورت اول در می‌آید. در فلج یکطرفی صورت، در سمت مبتلا، گوش، پلکها و لبها فلج می‌شوند و گاهاً آماس توأم با چرک چشم دیده می‌شود.

به تدریج حیوان مبتلا زمینگیر شده و قادر به برخاستن نیست.
در ابتدا بروز بیماری تب وجود دارد. ولی پس از بروز آثار عصبی، درجه دمای بدن طبیعی می‌باشد.
در نهایت مرگ به علت توقف دستگاه تنفسی فرا می‌رسد.

ب (سقط جنین لیستریائی :

بروز سقط جنین انفرادی است (در ماههای هفتم و دیرتر) و در گاو ممکن است نوزاد مرده بدینا بیاید. جفت اغلب باقی مانده و علائم عمومی و تب بالا بروز می‌کند.

ج (سپتی سمی لیستریائی :

در نشخوار کنندگان بالغ، سپتی سمی کمتر بروز می‌کند. ولی در دامهای جوان بیشتر است.
نشانیهایی که معرف ابتلاء دستگاه عصبی باشد وجود ندارد ولی نشانیهای عمومی از قبیل کسالت - ضعف - تب و گاهی اسهال وجود دارد.
در گوساله‌های نوزاد، کدر شدن قرنیه، تنگی نفس، انقباض خفیف عضلات گردن و انقباض کره چشم ممکن است بروز کند.

پیشگیری:

می‌بایست از مقدار غذای سیلو شده کاسته و کمی تتراسیکلین به جیره غذایی افزوده شود.

تشخیص تفریقی:

این بیماری را باید از عوارض زیر تفکیک کرد.

(۱) شکل عصبی استوئعی:

در شکل عصبی استوئعی، گیجی و جدا شدن از سایر دامها و کوری ظاهری و چرخش وجود دارد ولی فلج عصب و التهاب ساختمانی داخل چشم دیده نمی‌شود. بعلاوه استوئعی در گاو بلافاصله پس از زایمان بروز می‌کند.

(۲) بروسلوز

(۳) هاری

(۴) دملهای مغزی

درمان لیستریوز:

در صورت تشخیص به موقع، تزریق داخل وریدی **کلرتراسیکلین** روزانه به میزان ۱۰ میلی گرم به ازای هر کیلو گرم وزن بدن به مدت ۵ روز در درمان مننگوآنسفالیت موثر است.

معمولاً سیر بیماری در گله طوری است که پس از مرگ یکی از دامها می‌توان شروع بیماری را در سایر دامها زود تشخیص داد و مبادرت به درمان نمود.

کلرامفنیکل به همراه **استرپتومایسین** و **پنی‌سیلین** برای درمان سپتی سمی گوساله‌ها موثر است.